

# یادنامهٔ کمال الملک

به کوشش علی دهباشی

و داراب بهنام شباهنگ

عنوان و نام پدیدآور: یادنامه کمال الملک • به کوشش علی دهباشی و داراب بهنام شباهنگ  
مشخصات نشر: تهران، دانیار، ۱۴۰۲ • مشخصات ظاهری: ۵۵۲ ص. مصور (بخشی رنگی)  
شابک: ۳-۸-۹۸۵۲۵-۶۲۲-۹۷۸ • وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: کتابنامه: ص. ۴۸۵-۴۸۶؛ همچنین به صورت زیرنویس  
موضوع: کمال الملک، محمد غفاری، ۱۳۱۹-۱۲۲۶ -- یادنامه‌ها  
موضوع: نقاشان ایرانی -- سرگذشتنامه (painters--iran--biography)  
شناسه افزوده: دهباشی، علی، ۱۳۳۷-، گردآورنده: بهنام شباهنگ، داراب، گردآورنده  
رده‌بندی کنگره: ND۹۸۹ • رده‌بندی دیویی: ۷۵۹/۹۵۵ • شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۵۸۱۲۴



## یادنامه کمال الملک

به کوشش علی دهباشی  
و داراب بهنام شباهنگ

گزینش و ویرایش تصاویر: کیانوش معتقدی

نمونه‌خوان: علیرضا بهارلو

نقاشی روی جلد: آیدین آغداشلو

چاپ و صحافی: با ما - معین

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲

شابک: ۳-۸-۹۸۵۲۵-۶۲۲-۹۷۸

حق چاپ برای نشر دانیار محفوظ است.

این کتاب با کاغذ حمایتی چاپ شده است.

خیابان سیدجمال‌الدین اسدآبادی، خیابان شصتم ج، پلاک ۷

تلفن: ۰۹۳۰۰۶۵۵۰۴۸

ایمیل: danyarpub@gmail.com

## فهرست

۵	..... مقدمه
۷	..... سالشمار زندگانی کمال الملک
۱۴	..... زندگی من
۲۵	..... احوال و آثار محمد غفاری کمال الملک
۸۱	..... یاد کمال الملک
۱۰۱	..... خاطراتی از کمال الملک
۱۱۹	..... کمال الملک
۱۳۱	..... کمال الملک
۱۴۱	..... خاستگاه کمال الملک
۱۵۵	..... کمال الملک و پیروان او
۱۶۵	..... کمال الملک: سنت شکن بزرگ
۱۷۱	..... کمال الملک: سنت شکن و سنت گذار
۱۹۷	..... چند نسل هنرمند در یک دوران چندصدساله کاشان
۲۰۵	..... کمال الملک: آفریننده زیبایی
۲۴۳	..... خاطراتی از کمال الملک
۲۴۷	..... خاطراتی از کمال الملک
۲۵۱	..... درباره کمال الملک
۲۵۴	..... نامه فروغی به دکتر غنی درباره کمال الملک
۲۷۱	..... شرح حال و تاریخ حیات کمال الملک
۲۸۳	..... سخنی درباره زندگی کمال الملک
۲۹۳	..... کمال الملک: هنرمند و نقاش بزرگ
۳۰۱	..... کمال الملک
۳۱۵	..... انشاء عکس شده کمال الملک

#### ۴ یادنامه کمال الملک

۳۲۱	کمال الملک در نیشابور .....
۳۲۹	درباره کمال الملک .....
۳۳۳	نامه ای درباره کمال الملک .....
۳۴۱	کمال الملک و تحولات نقاشی معاصر ایران .....
۳۴۹	کمال الملک: گذشته گرای سنت شکن .....
۳۵۷	تکیه دولت .....
۳۶۵	نقاشی یعنی تقلید طبیعت .....
۳۷۱	صدرالدین شایسته: شاگرد کمال الملک .....
۳۷۷	کمال الملک: مردی از کاشان .....
۳۸۵	درباره کمال الملک .....
۴۰۱	صورتگر سحرآفرین احساس ها و اندیشه ها ... ..
۴۱۱	شکفتن در پاییز .....
۴۱۷	کاوش های باستانی و هنری ایران زمین .....
۴۲۵	ماجرای نامه کمال الملک به رضاشاه .....
۴۳۳	محمد غفاری: کمال الملک .....
۴۵۵	کمال الملک .....
۴۶۳	نگارگران خاندان غفاری .....
۴۷۵	کمال الملک .....
۴۸۹	فیلمنامه کمال الملک .....
۵۲۵	دور زدن تناقضات هنر در مرز سنت و تجدد .....
۵۳۳	کتابشناسی کمال الملک .....
۵۳۷	آلبوم تصاویر رنگی .....

## مقدمه

محمد غفاری مشهور به کمال‌الملک، بزرگ‌ترین نقاش دوران یکصد ساله اخیر ایران (از ناصرالدین شاه تا نزدیک به پایان سلطنت رضاخان) در حدود ۱۲۶۴ ه.ق. در کاشان دیده به جهان گشود. خاندان غفاری که کمال‌الملک یکی از اعضاء آن است، هنرمندانی بسیار به هنر ایران تقدیم داشته است: عموی کمال‌الملک، میرزا ابوالحسن خان غفاری (صنیع‌الملک) از نقاشان طراز اول و نامدار که از او آثار گرانبها به جای مانده است. پدر کمال‌الملک (آقامیرزا بزرگ غفاری کاشانی) نیز از نقاشان دربار قاجاریه بوده است.

کمال‌الملک پس از طی دوره تحصیلات ابتدایی، در سیزده سالگی از کاشان به تهران آمد و در دارالفنون به تحصیل پرداخت. در سال ۱۲۹۸ ه.ق. که ناصرالدین شاه از مدرسه دارالفنون دیدن کرد، یک تابلو از آثار محمد غفاری را دید و او را در پناه عنایت و تشویق خود با عنوان «پیشخدمت مخصوص» و «نقاشباشی» به دربار برد. تابلوهایی که در پناه ایمن این منصب و عنوان و به یاری امکاناتی که در دربار از آن بهره می‌گرفت، بالغ بر یکصد و هفتاد قطعه است. ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۳۱۰ ه.ق. محمد غفاری، نقاش بزرگ دربار خود را به «کمال‌الملک» ملقب و او را از دیگر نقاشان معاصرش متمایز و مشخص کرد. تابلو معروف «تالار آینه» که به قولی هفت سال بر سر آن کار کرد، تابلوی نخستین اوست که امضاء «کمال‌الملک» را با خود دارد.

در سال ۱۳۱۴ ه.ق. جهت تکمیل اطلاعات خود به اروپا رفت و سه سالی در موزه‌های فلورانس، لوور و ورسای به مطالعه نقاشی اروپایی پرداخت و در آن زمان بیش از دوازده تابلو از آثار رامبراند و نقاشان دیگر را با قدرتی حیرت‌انگیز بازسازی کرد. مظفرالدین شاه در دومین سفرش به اروپا از کمال‌الملک خواست که به ایران مراجعت کند، و او در سال ۱۳۱۶ ه.ق. به ایران بازگشت. سفر کمال‌الملک به اروپا و تفحص و مطالعه او در نقاشی آن دیار اثری ژرف و غنی در او بر جای نهاد و تکنیک او را در نقاشان دوران او فراتر برد. کمال‌الملک در مراجعت به ایران با توطئه‌ها و حسادت‌های درباریان روبه‌رو شد و به

بهانه زیارت عتبات و در واقع به قصد فرار از محیط مسموم درباریان در سال ۱۳۲۱ ه.ق، بی تابانه به کربلا شتافت. تابلوهای «فالگیر بغدادی»، «زرگر بغدادی و شاگردش»، «میدان کربلای معلا» و «عرب خفته» را در آن دیار آفرید؛ آثاری که از نمونه‌های درخشان از هنر کمال الملک است.

شرح زندگی پرماجرای کمال الملک را به تفصیل در متن مقالات کتاب خواهید خواند و این سطور را مجال نیست تا به همه سوانح زندگی او بپردازیم.

کتاب حاضر حاوی مهم‌ترین مقالات، اسناد و تصاویری است که درباره زندگی و آثار کمال الملک منتشر شده است. و تلاش کرده‌ایم که در حروفچینی مجدد مقالات یادنامه اصالت متن اولیه را حفظ کنیم و در پایان کتاب، فهرست منابع مقالات این کتاب و سایر مقالاتی که در این کتاب نیامده تحت عنوان «کتابشناسی کمال الملک» آورده‌ایم.

مقالات این مجموعه را به صورتی تقسیم‌بندی کرده‌ایم که خوانندگان با ترتیب تاریخی زندگی کمال الملک آشنا شوند.

#### یادآوری و سپاس

اینک که به همت خانم ساناز باغبان رحیمی، چاپ تازه‌ای از یادنامه کمال الملک فراهم آمده است، ضمن تشکر از ایشان و دقت نظرشان در نشر دانیار، به چند نکته اشاره می‌کنم: تدوین و تنظیم مقالات کتاب حاصل همکاری دوست هنرمندم، داراب بهنام شباهنگ است که در آتلیه او فرصت این کار فراهم شد.

سپاس از استاد آیدین آغداشلو که با مقاله‌ای جامع و گویا، با نگاهی دیگر، زندگی و آثار کمال الملک را مورد مذاقه قرار دادند. همچنین باید یاد کنم از زنده‌یادان ایرج افشار و سیدمحمدعلی جمالزاده که با راهنمایی‌های عالمانه خودشان، ما را در ارتقاء سطح علمی مقالات یاری دادند.

و سرانجام از آقایان علیرضا بهارلو و کیانوش معتقدی که مقالات و تصاویر کتاب را در این چاپ با دقت از نظر گذراندند، تشکر می‌کنم.

علی دهباشی

بهار ۱۴۰۲

محمد گلبن

## سالشمار زندگانی کمال الملک

- ۱۲۶۴ ه.ق. تولد در کاشان (مطابق ۱۲۲۶ شمسی / ۱۸۴۸ میلادی و شاید دو سه سال پیش و پس، چون به تحقیق روشن نیست).
- ۱۲۷۹ ه.ق. ظاهراً از کاشان برای ادامه تحصیل به تهران آمد.
- ۱۲۹۲ ه.ق. «عمله طرب» را کشید. این اثر استاد ظاهراً مربوط به دوران جوانی و دوره‌ای است که استاد لقب نقاشباشی داشته است.
- ۱۲۹۹ ه.ق. تابلو اردوی دولتی مستقر در سرخه حصار را کشید.
- ۱۳۰۰ ه.ق. در دومین سفری که ناصرالدین شاه به مشهد رفت، به عنوان میرزامحمدخان پیشخدمت مخصوص جزو ملتزمین رکاب بود (نام وی جزو اسامی ملتزمین رکاب آمده است).
- ۱۳۰۰ ه.ق. «حوضخانه کاخ سلطنت آباد» را کشید. ظاهراً این تابلو یکی از کارهای دوره نقاشباشی اوست.
- ۱۳۰۱ ه.ق. تابلو «فرمان خان»، یکی از بستگان خود را کشید.
- ۱۳۰۱ ه.ق. حوضخانه صاحبقرانیه را کشید.
- ۱۳۰۱-۲ ه.ق. ازدواج با زهرا خانم، خواهر مفتاح‌الملک (یکی از بستگان ملک‌التجار)
- ۱۳۰۲ ه.ق. تصویر پسر ناصرالملک را کشید.
- ۱۳۰۲ ه.ق. آبشار دوقلوی پس قلعه را کشید.
- ۱۳۰۲ ه.ق. تابلو منظره خیابان دوشان‌تپه را کشید.
- ۱۳۰۲ ه.ق. اولین فرزند استاد که دختری بود تولد یافت و به نصرت موسوم گردید.
- ۱۳۰۲ ه.ق. منظره سرخه حصار عمارت ناصریه و اردوی همایون را کشید.
- ۱۳۰۳ ه.ق. دورنمای عمارت گلستان را کشید.
- ۱۳۰۳ ه.ق. دورنمای باغچه گلستان را کشید.

- ۱۳۰۴ ه.ق. تابلو معروف «تکیه دولت» را کشید.
- ۱۳۰۴ ه.ق. دورنمای دهکده امامه در مغرب تهران را کشید.
- ۱۳۰۵-۶ ه.ق. نوشته‌اند از طرف ناصرالدین شاه به نقاشباشی و پیشخدمت مخصوص همایونی ملقب گردید.<sup>۱</sup>
- ۱۳۰۶ ه.ق. دورنمای دره زانوسی را کشید.
- ۱۳۰۶ ه.ق. منظره اسب‌دوانی باغشاه را کشید.
- ۱۳۰۶ ه.ق. تصویر مولانا محمد جلال‌الدین رومی را کشید.<sup>۲</sup>
- ۱۳۰۷ ه.ق. میرزا ابوتراب غفاری کاشانی (نقاش استاد)، برادر کمال‌الملک درگذشت.
- ۱۳۰۸ ه.ق. تابلو عموصادق سرایدار قفس طیور با کهنه‌فروشان یهودی را کشید.
- ۱۳۰۸ ه.ق. تابلو «دو دختر گدا» را کشید (احتمالاً این کار استاد کپی است و از اولین کارهای کپی است که استاد انجام داده است).
- ۱۳۰۸ ه.ق. تابلو «قناری و گربه» را کشید.
- ۱۳۰۹ ه.ق. تابلو «فالگیر بغدادی (رمال)» را کشید.
- ۱۳۰۵-۱۰ ه.ق. تابلو «تالار آینه»، بزرگ‌ترین و پرکارترین اثر خود را به وجود آورد.
- ۱۳۱۰ ه.ق. از طرف ناصرالدین شاه به «کمال‌الملک» ملقب گردید.
- ۱۳۱۴ ه.ق. چند ماه پس از قتل ناصرالدین شاه برای ادامه تحصیلات در فن نقاشی و دیدار از موزه‌های اروپایی عازم اروپا شد.
- ۱۳۱۴ ه.ق. تابلو «کفشگر مصری» را کشید. این اثر استاد ظاهراً کپی است.
- ۱۳۱۴ ه.ق. صورت «رامبراند» را در اروپا کشید.
- ۱۳۱۵ ه.ق. صورت تیسین را در اروپا کشید.
- ۱۳۱۵ ه.ق. پرتراهی از خود در اروپا کشید.
- ۱۳۱۶ ه.ق. تصویر تیسین ماتیو، اثر رامبراند را کپی کرد.
- ۱۳۱۶ ه.ق. طرح یک زن برهنه راریخت که گردیجان، نقاش فرانسوی آن را تمام کرد.<sup>۳</sup>
- ۱۳۱۶ ه.ق. چهره حضرت یونس را در اروپا کپی کرد.
- ۱۳۱۷ ه.ق. بازار مرغ‌فروش‌های پاریس را کشید.
- ۱۳۱۷ ه.ق. تصویر «فانتن لاتور»، نقاش فرانسوی را کشید.
- ۱۳۱۸ ه.ق. در ملاقاتی که میان استاد و مظفرالدین شاه در پاریس روی داد، مظفرالدین شاه از استاد خواست که به ایران مراجعت کند و کمال‌الملک به ایران مراجعت کرد.



- ۱۳۱۹ ه.ق. تصویر مظفرالدین‌شاه را کشید.
- ۱۳۱۹ ه.ق. سفری به بین‌النهرین رفت و قریب سه سال در بین‌النهرین بماند.
- ۱۳۱۹ ه.ق. تابلو «زرگر بغدادی و شاگردش» را کشید.
- ۱۳۲۰ ه.ق. تابلو «میدان کربلای معلای» را کشید.
- ۱۳۲۰ ه.ق. تابلو «عرب خوابیده» را کشید.<sup>۴</sup>
- ۱۳۲۲ ه.ق. تابلو معروف «یهودی‌های فالگیر بغدادی» را کشید.
- ۱۳۲۲ ه.ق. پس از بازگشت از بین‌النهرین پرتراهی از خود کشید.
- ۱۳۲۲ ه.ق. تنها دخترش، نصرت‌خانم با پسر دایی خود، مهدی شیبانی ازدواج کرد.
- ۱۳۲۲ ه.ق. دخترش نصرت‌خانم هفت ماه پس از ازدواجش در اثر بیماری و بادرگذشت و استاد جنازه او را به نجف اشرف برد و به خاک سپرد.
- ۱۳۲۳ ه.ق. از عراق به ایران بازگشت (این سفر را استاد به منظور به خاکسپاری دخترش به نجف رفت).
- ۱۳۲۸ ه.ق. پرتره «حاجی سیدنصرالله تقوی» را کشید.
- ۱۳۲۸ ه.ق. پرتره حاجی علیقلی خان بختیاری (سردار اسعد اول) را کشید.
- این کار کمال‌الملک را جزو بهترین کارهای او به شمار آورده‌اند.
- ۱۳۲۸ ه.ق. پرتره عضدالملک قاجار، نایب‌السلطنه احمدشاه را کشید.
- ۱۳۲۹ ه.ق. با همراهی و همکاری‌های حکیم‌الملک اجازه تشکیل «مدرسه صنایع مستظرفه» را گرفت و مدرسه را تشکیل داد.
- ۱۳۳۱ ه.ق. پرتره میرزا محمدحسین خان ذکاءالملک، متخلص به «فروغی»، مدیر دارالترجمه ناصری پدر میرزا محمدعلی خان و ابوالحسن خان فروغی را کشید.
- ۱۳۳۳ ه.ق. تابلو «دهکده‌ای در شمال دماوند» را کشید.
- ۱۳۳۵ ه.ق. پرتره حسن وثوق «وثوق‌الدوله» را کشید.
- ۱۳۳۶ ه.ق. پرتره دیگری را استاد از خودش کشید.
- ۱۳۳۹ ه.ق. سومین فرزند استاد، حسینقلی خان در شب جمعه ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۳۳۹ ه.ق. در تهران درگذشت.
- ۱۳۴۰ ه.ق. استاد پرتراهی از خود کشید. این پرتره استاد را با پرتراهی که از عضدالملک قاجار کشیده، از نظر رنگ آمیزی و دقت نظر جزو شاهکارهای کمال‌الملک دانسته‌اند. قالیچه‌ای به صورت گوبلن از روی این پرتره استاد زیر نظر خودش بافته‌اند که هم‌اکنون در «کتابخانه مجلس» نگهداری می‌شود.

## ۱۰ یادنامه کمال الملک

- ۱۳۴۰ ه.ق. دورنمای مغانک را کشید.
- ۱۳۴۰ ه.ق. پرتره‌ای از خود کشید.
- ۱۳۴۱ ه.ق. دورنمایی از تهران از حدود شمیرانات کشید.
- ۱۳۴۱ ه.ق. دورنمای توچال را کشید.
- ۱۳۴۳ ه.ق. تصویر یک «کبک مرده» را کشید.
- ۱۳۴۳ ه.ق. پرتره‌ای از مشهدی ناصر، پیشخدمت خود را کشید (مشهدی ناصر سال‌ها به استاد خدمت کرده بود).
- ۱۳۴۴ ه.ق. آخرین پرتره خود را در مدرسه صنایع مستظرفه کشید. این پرتره به صورت نیم‌رخ است که استاد کلاه‌پوست مشکی بره بر سر دارد. استاد این تابلو را به دوست دکتر خود، قاسم غنی هدیه کرد. متأسفانه در آتش‌سوزی منزل دکتر غنی این تابلو به آتش کشیده شد و از میان ایران رفت. تصویری از این تابلو در دست است.
- ۱۳۴۶ ه.ق. هنگامی که مستوفی الممالک رئیس دولت بود، استاد با خواهش و تمنا توانست از ریاست «صنایع مستظرفه» استعفاء بدهد.
- ۱۳۵۰ ه.ق. تصویر کوهستانی را ترسیم می‌کرده که به سبب ضایعه چشمش ناتمام مانده است.
- ۱۳۵۰ ه.ق. پرتره پیرمردی را در حالت خواب ترسیم می‌کرده که تنها قسمتی از سر و گردن این اثر مشخص شده و بقیه آن ناتمام است. ظاهراً این کار اگر آخرین کار قلمی استاد نباشد به احتمال زیاد یکی از آخرین کارهای استاد است.
- ۱۳۴ ه.ق. تابلو «کلبه روستایی» را کشید.
- ۱۳۴ ه.ق. تابلو «تدفین حضرت مسیح» را کشید (این تابلو ظاهراً یکی از تابلویی است که استاد در سفر اروپا کپی کرده‌اند).
- ۱۳۴ ه.ق. قالیچه صورت استاد را زیر نظر خودش بافتند که در کتابخانه مجلس شورای ملی نگهداری می‌شود.
- ۱۳۴ ه.ق. پرتره صنایع الدوله را کشید.
- ۱۳۴ ه.ق. «عمارت شهرستانک» (ساختمان بیلاقی ناصرالدین شاه) را کشید.
- ۱۳۴ ه.ق. سردر عمارت کاخ گلستان را کشید.
- ۱۳۴ ه.ق. تصویری از حکیم الملک (دوست وفادار خود) کشید.

- ۱۳۴ ه.ق. تابلو «کیمیاگران» را کشید.
- ۱۳۴ ه.ق. منظره‌ای از باغ سلطنت آباد را کشید.
- ۱۳۴ ه.ق. تصویر «حضرت مریم» را کشید (ظاهراً باید کپی برداری باشد).
- ۱۳۴ ه.ق. تصویر مرد برهنه‌ای را کشید (این تصویر در مجله «تماشا» به چاپ رسید).
- ۱۳۴ ه.ق. «غروب شمیران» را کشید.
- ۱۳۴ ه.ق. تابلو کاتب یا خطاط را کشید («هنر و مردم»، شماره ۱۵۲، ص ۶۳).
- ۱۳۴ ه.ق. «کوه البرز» را کشید.
- ۱۳۱۰ شمسی ارباب کیخسرو شاهرخ، نماینده و مباشر «مجلس شورای ملی»، تابلو سردار اسعد بختیاری را به مبلغ پانصد تومان خرید و به مجلس شورای ملی منتقل کرد.
- ۱۳۱۲ شمسی مجسمه فردوسی را کشید.
- ۱۳۱۸ شمسی دومین فرزند استاد، معزالدین در ۱۲ اسفندماه در تهران درگذشت و در امامزاده معصوم در جوار عمویش، میرزا ابوتراب خان غفاری کاشانی، نقاش معروف به خاک سپرده شد.
- ۱۳۱۸ شمسی یک سال پیش از مرگ استاد، آقای شریفی، رئیس کتابخانه مجلس شورای ملی سفری به حسین آباد رفت و چهار قطعه دیگر از تابلوهای استاد را خریداری کرده به کتابخانه منتقل کرد.
- ۱۳۱۹ شمسی روز هفتم تیرماه استاد در اثر بیماری حبس‌بول در بیمارستان شهرضای مشهد بستری شد.
- ۱۳۱۹ شمسی روز یکشنبه ۲۷ مردادماه، ساعت دو بعدازظهر در شهر نیشابور در منزل برادرزاده‌اش، محمد غفاری بدرود حیات گفت و پس از ۹۳ سال (یا کمی بیش و کم) چشم از جهان فرو بست.
- ۱۳۱۹ شمسی روز دوشنبه ۲۸ مرداد او را در جوار شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، شاعر و عارف معروف به خاک سپردند.
- ۱۳۲۴ شمسی چهارمین فرزند استاد، حیدرقلی غفاری پنج سال پس از مرگ پدر درگذشت.
- ۱۳۲۴ شمسی شاگردان و دوستان استاد تصمیم گرفتند بنایی درخور مقام این هنرمند بزرگ ایران، بر سر آرامگاهش بسازند. متأسفانه پولی که بدین منظور فراهم شده بود کفاف این مهم را نمی‌داد و منصرف شدند. سال‌ها بعد به دستور

سرلشگر آقاولی بنای زیبا و ساده‌ای که امروز بر سر آرامگاه استاد باقی است بنا کردند و سنگ قبر قدیمی را تعویض کردند. ساختمان بنای آرامگاه کمال‌الملک در سال ۱۳۴۰ شمسی پایان یافت. سنگی به صورت عمودی روی قبر استاد نصب است که صورت نیم‌رخ کمال‌الملک بر این سنگ نقش گردیده و ظاهراً کار یکی از شاگردان استاد، مجسمه‌ساز معروف ایران، استاد ابوالحسن صدیقی است.

### یادداشت‌ها

۱. از تاریخ تابلو «زمان‌خان» که استاد در سال ۱۳۰۰ ه.ق. از یکی از بستگان خود کشیده و تا سال ۱۳۳۹ شمسی در موزه هنرهای زیبای کشور موجود بوده، پیداست که اعطای لقب نقاشباشی در سال ۱۳۰۵-۶ به کمال‌الملک درست نیست، چرا که در سال ۱۳۰۰ ه.ق. استاد دارای لقب نقاشباشی بوده، که در ذیل این تابلو آمده «شبهه مقرب الخاقان مؤتمن السلطان حاجی میرزا زمان‌خان بن معزالدین بن قاضی احمدبن قاضی مطلب بن رضی‌الدین بن قاضی بدیع‌الزمان غفاری. خانه‌زاد میرزامحمد غفاری نقاشباشی کل ممالک محروسه دولت علیه ایران ۱۳۰۰ ه.ق.»
۲. این اثر را خود استاد به دکتر کازالا به یادگار هدیه کرد و ظاهراً از ایران خارج کرده‌اند. ضمناً مؤلف «آثار باستانی خراسان»، عبدالحمید مولوی، در کتاب خود (ج ۱) ضمن شرح احوال کمال‌الملک نوشته است که استاد دو تابلو از مولانا ساخته است.
۳. نوشته‌اند این تابلو در انجمن موجود بود. نگارنده نمی‌داند این انجمن، «انجمن روابط فرهنگی ایران و فرانسه» است یا «انجمن هنرمندان ایران». ظاهراً باید انجمن هنرمندان باشد.
۴. آقای اسمعیل آشتیانی، شاگرد و معاون استاد در صنایع مستظرفه نوشته است: «این اثر استاد در حسین‌آباد به سبب موش‌خوردگی از میان رفت». اما این نظر آقای آشتیانی که خود و دیگران نوشته‌اند: «استاد تابلوهای خود را پشت به دیوار چیده بود و از آنها مواظبت می‌کرد»، ضد و نقیض است و پیداست که بسیاری از نظرهای آقای آشتیانی به حقیقت نزدیک نیست.



عكس پرتره كمال الملك در اواخر عمر



نقاشی خودنگاره کمال الملک، رنگ روغن روی کرباس، ۱۳۱۵ق، محفوظ در موزه ملک تهران

## زندگی من<sup>۱</sup>

قاضی معزالدین بعد قاضی احمد و بعد قاضی عبدالمطلب که معاصر نادرشاه افشار بود و پسری داشته موسوم به میرزا ابوالحسن که نقاش بود و صورتی از پدر خود کشیده که سوار بر قاطری است و قرآنی در دست دارد و می‌خواند و پسر نوشته «صورت شمس ملک فضیلت، قاضی عبدالمطلب غفاری کاشانی که برحسب امر نادری از منزهات خلخال عبور می‌نماید» که متعلق به من بود و ناصرالدین شاه خواست من هم قاب کردم و دادم الان نزد صاحب اختیار است که پس از فوت ناصرالدین شاه او از سرایدارها (پولی داد و گرفت).

پدر، میرزا ابوالحسن را عاق کرد به واسطه همین که نقاش بود، ولی نادرشاه و کریم‌خان زند وی را تشویق کرده‌اند. میرزا ابوالحسن تاریخی از زندیه نوشته که نزد من بود، حالا شاید نزد پسرهای من باشد.

از کارهای میرزا ابوالحسن چند صفحه طرح مجالس نادر و کریم‌خان را کشیده، از جمله صورتی است که نادرشاه و محمدشاه هندی با هم تاج عوض می‌کنند و این تابلو نزد پهلوی است. دیگر صورت کریم‌خان است که قلیان می‌کشد که جماعتی پشت سرش است از جمله یکی از پسرهایش کور است، این صورت شاید در فامیل اقبال‌الدوله باشد، پرده بزرگی است.

میرزا ابوالحسن دو پسر داشته موسوم به میرزا محمد و میرزا ابوالقاسم. میرزا محمد پسری داشته موسوم به میرزا ابوالحسن که نقاش بود و این شخص عموی من است که معروف به میرزا ابوالحسن خان صنیع‌الملک، نقاشباشی دولت ایران بود. روزنامه‌هایی می‌نوشت که صورت رجال رامی ساخت (در اوایل ناصرالدین شاه تا آخری‌های میرزا آقاخان صدراعظم). میرزا ابوالحسن پسر بزرگ میرزا محمد است. پسر دیگر میرمحمد، میرزا بزرگ‌خان است

---

۱. این شرح حال مختصری است از کمال‌الملک که خود تقریر و دکتر غنی تحریر کرده است (نقل از یادداشت‌های دکتر غنی).